

# بلاغت تطبیقی

تحلیل و بررسی زیبایی‌شناسی سخن فارسی و عربی

دکتر غلامرضا کریمی فرد

تهران

۱۳۹۷



سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)  
پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
نه	پیشگفتار
۱	مقدمه ۱: در سیر تحول بلاغت اسلامی
۱	پیش از اسلام
۳	قرن‌های دوم و سوم
۳	قرن چهارم
۵	قرن پنجم
۱۱	قرن‌های ششم و هفتم
۱۹	قرن هفتم و هشتم تا دوران معاصر
۲۵	مقدمه ۲: در تعریف فصاحت و بلاغت
۲۶	الف) فصاحت
۲۶	عیوب کلمه
۳۰	عیوب کلام
۳۷	ب) مقتضای حال و مقام
۳۸	مقتضای ظاهر
۴۳	علم معانی
۴۵	علم معانی
۴۵	احتراس
۶۱	اسلوب‌الحکیم
۷۳	فصل و وصل
۷۸	فصل
۸۷	موارد وصل

صفحه	عنوان
۹۲	علم بیان
۹۲	مقدمه (دلالت و انواع آن)
۹۲	دلالت
۹۵	ارسال المثل
۱۰۸	استعاره
۱۲۲	استعاره در فارسی
۱۲۶	انواع استعاره
۱۲۶	۱. استعاره احتمالیه
۱۳۲	۲. استعاره اصلیه
۱۳۴	۳. استعاره تبعیه
۱۴۲	۴. استعاره تجریدی
۱۴۴	۵. استعاره تحقیقیه
۱۴۵	۶. استعاره تخیلیه
۱۵۲	۷. استعاره ترشیحیه
۱۵۷	۸. استعاره تصریحیه
۱۶۱	۹. استعاره تمثیلیه
۱۷۷	۱۰. استعاره تملیحیه (تهکمیّه)
۱۸۱	۱۱. استعاره قیاسیه
۱۸۳	۱۲. استعاره مطلقه
۱۸۵	۱۳. استعاره مکنیه یا بالکنایه
۱۹۶	تقسیمات استعاره از جهات دیگر
۱۹۸	تقسیم استعاره از نظر طرفین
۲۰۰	تشبیه
۲۰۵	آیا تشبیه مجاز است؟
۲۰۹	تشبیه تمثیل
۲۲۱	تشبیه غیر تمثیل
۲۵۴	تشخیص
۲۶۳	کنایه
۲۶۷	۱. کنایه از موصوف

صفحه	عنوان
۲۶۸	۲. کنایه از صفت
۲۷۲	۳. کنایه از نسبت
۲۹۰	مجاز
۲۹۳	۱. مجاز لغوی
۲۹۴	علاقه‌های مجاز
۳۲۶	۲. مجاز عقلی
۳۴۷	علم بدیع
۳۴۷	مقدمه
۳۴۹	ائتلاف
۳۵۵	ابتداء
۳۵۸	ابداع
۳۶۳	ابرام السّؤال
۳۶۷	ابهام
۳۷۲	ابهام در زبان فارسی
۳۷۵	اتّساع
۳۷۹	اتّساع در فارسی
۳۸۳	اجازه
۳۸۶	ادماج
۳۹۳	ادماج در زبان فارسی
۳۹۶	إرداف
۴۰۱	إرداف در زبان فارسی
۴۰۲	ارصاد [تسهیم]
۴۰۵	ارصاد در فارسی
۴۰۷	استتباع [المدح الموجه]
۴۰۸	استتباع در فارسی
۴۱۱	استخدام
۴۱۳	تعریف سوم از استخدام
۴۱۶	استدراک

صفحه	عنوان
۴۱۹	استدراک در فارسی
۴۲۲	استطراد
۴۲۳	استطراد در فارسی
۴۲۴	ایهام یا توریه
۴۳۹	ایهام (توریه) در فارسی
۴۴۱	انواع دیگر ایهام
۴۵۶	تأکید الذمّ بما يُشبه المدح
۴۶۱	تأکید المدح بما يشبه الذم
۴۶۷	تجنیس
۴۷۳	انواع جناس
۵۱۷	انواع دیگر جناس
۵۲۳	تشابه الأطراف
۵۲۹	تضاد
۵۳۵	پارادوکس
۵۴۵	پارادوکس در بلاغت قدیم
۵۵۰	جلوه‌های پارادوکس در قرآن
۵۵۶	دیگر خاستگاه‌های پارادوکس
۵۶۴	ردّ الصدر علی العجز [تشابه الأطراف]
۵۶۶	ردّ العجز علی الصدر [تصدیر]
۵۶۸	سجع
۵۸۳	تفاوت شعر مصرّع و مثنوی
۵۸۴	کلام جامع
۵۸۶	منابع

## پیشگفتار

یکی از دانش‌های مهم در ادبیات، علم بلاغت<sup>۱</sup> است که مشتمل بر سه شاخه «معانی»، «بیان» و «بدیع» است. بلاغت به‌طور کلی از ویژگی‌های درونی و جاری زبان است؛ یعنی هر ملتی به هر زبانی و در هر زبانی به هر گویشی سخن بگوید، یقیناً بسیاری از اصول و مبانی بلاغت و عناصر آن، مانند: تشبیه، استعاره، کنایه، مجاز، ایجاز، تضاد و تناسب را در کلام خود دارد.

«بلاغت» ویژگی مشترک همه زبان‌هاست. هیچ زبانی نیست که از عناصری همچون تشبیه، استعاره، کنایه و مجاز خالی باشد؛ اما میزان توانایی و قابلیت ذاتی هر زبان و شرایط محیطی، تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی و اجتماعی هر ملتی به همراه توانایی‌های آنان در قلمرو زبان و ادب است که دایره وسعت و عمق اصول و عناصر بلاغت را در آن زبان نسبت به دیگری گسترده‌تر یا محدودتر، قوی‌تر یا ضعیف‌تر نشان دهد.

زبان عربی از جمله زبان‌های قوی و پراستعداد و سرشار از قابلیت ذاتی در عرصه ادب و بلاغت است که گستردگی و ژرف ساخت بلاغی قدرتمندی دارد. این مهم را به ویژه در قرآن کریم که در اوج بلاغت و فصاحت است مشاهده می‌کنیم. همچنین می‌بینیم که پس از قرآن کریم و پیامبر بزرگوار اسلام، این زبان به دست کسی که استاد بلامنازع آن است؛ یعنی علی (ع) در عالی‌ترین شیوه بلاغی و استحکام دستوری و زیبایی‌های هنری ادا شده است.

زبان فارسی نیز که بیش از هر زبان دیگری با عربی در آمیخته و از آغاز اسلام تا کنون، گام به گام با زبان عربی به پیش آمده است، طی قرن‌ها، نوعی خاص از فرهنگ و ادب و معرفت دینی را آفریده است که حقیقتاً بی‌همتاست. دانشمندان و ادیبان و شاعران فارسی که مظاهر فعلیت یافته توانایی‌های این زبان‌اند، هر دو زبان را به کمال و جمال نشان داده و در آثار خود تدوین و تعریف کرده‌اند. پشتوانه نیرومند و غنای زبان فارسی نشان می‌دهد که دایره وسعت و عمق بلاغت آن بسیار گسترده و سرشار از پویایی و زیبایی‌های هنری است.

---

1. Rhetoric

از این روست که مطالعه دانش بلاغت عربی - دست کم برای ما فارسی‌زبانان - آن‌گاه کامل و سودمندتر است که همراه با مطالعه بلاغت فارسی باشد. اما از این مهم‌تر آن است که برای دریافت زیبایی‌های معنوی و بن‌مایه‌های هنری در ادبیات دینی که در زبان فارسی به اوج خود رسیده است، مطالعه بلاغت فارسی امری ناگزیر و اجتناب‌ناپذیر است. دانش بلاغت عربی (یا شاید بهتر آن باشد که بگوییم بلاغت اسلامی) اصولاً در آن موقع که از سوی دانشمندان این علم در مراحل آغازین تدوین و تعریف بود، این هدف را دنبال می‌کرد که رموز اعجاز قرآن و جلوه‌های فصاحت و زوایای بلاغت آن را کشف کند و دقایق و لطایفش را تعریف و وجوه کمالش را آشکار گرداند؛ اما به تدریج دایره قلمرو آن گسترده‌تر و شامل سایر کلام منشور و منظوم گردید و چنین شد که «بلاغت» به صورت یکی از اصول و مبانی نقد و تحلیل سخن و تبیین درجه کمال آن درآمد. در مسیر تدوین، دگرگونی و پیشرفت دانش «بلاغت» و آنچه بدان وابسته است، همچون عروض و قافیه، نقش دانشمندان ایرانی مانند: خلیل بن احمد، ابوهلال عکسری، ثعالبی نیشابوری، قاضی جرجانی، عبدالقاهر جرجانی، زمخشری، رشیدالدین وطواط، سکاکی، فخر رازی، شمس قیس رازی، خطیب قزوینی، تفتازانی و دیگران برجسته و شگرف بوده است. ضمن این که از این سوی، شاعران و سخن‌سرایان بزرگی همچون فردوسی، منوچهری، خاقانی، مولوی، نظامی، سعدی، حافظ و بسیاری دیگر در دوره‌های بعد، با آثار منحصر به فرد خود، بلاغت فارسی را به قله‌های کمال رساندند تا آنجا که زیبایی‌ها و لطایف و دقایق آن در بالاترین افق‌های ادب قرار گرفت. اما نکته قابل ذکر در این سیر تاریخی که دانش بلاغت داشته، این است که بلاغت پژوهان و سخن‌شناسان این فن، هرگاه به نقد و توسعه آن پرداخته‌اند علاوه بر این که گاهی مباحث و عناوین تازه‌ای را به آن افزوده‌اند - به ویژه در صنایع پرشمار علم بدیع که حقاً پاره‌ای از آن‌ها غیر ضروری و بی‌فایده است<sup>۱</sup> - وجوه تسمیه مختلفی نیز ایجاد کرده و بر موضوعات و عنوان‌های طرح‌شده، نام‌های متفاوت و مختلفی نهاده‌اند که هر کدام از این نام‌ها از جنبه‌ای خاص مورد توجه بوده است.

۱. چنان که استاد دکتر شفیع کدکنی می‌گویند: «شماره شگفت‌آور صنایع بدیعی و نام‌های عجیب و غریب آن‌ها، هیچ‌گونه نقشی در خلاقیت ادبی مسلمانان نداشته بلکه نشانه کامل انحطاط ذوق و بن‌بست خلاقیت در میان آنان بوده است. به‌طور خلاصه می‌توان گفت که رابطه آشکار و مستقیمی وجود دارد میان رشد عناوین و مصطلحات بدیع و انحطاط خلاقیت ادبی در زبان فارسی و عربی» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴، ص ۲۹۴-۲۹۵).

مثلاً «اتلاف» را گاهی همان «مراعات نظیر» دانسته و گاهی تفکیک کرده‌اند؛ «ایهام» تناسب» را برخی به «مراعات نظیر» ملحق می‌کردند و برخی جدا می‌دانستند؛ «حسن طلب» و «ابرام السؤال» را گاهی یک صنعت دانسته‌اند و گاهی دو صنعت؛ آنچه را در عربی «استتباع» خوانده‌اند در فارسی «المدح الموجّه» نامیده‌اند؛ آنچه را در عربی و حتی در فارسی «استعاره مصرّحه» گفته‌اند، برخی مانند رشیدالدین وطواط «تشبیه کنایت» نامیده‌اند؛ «توریه» و «ایهام» را گاهی یکی پنداشته و آن را «توجیه» و «تخیر» هم نامیده‌اند و گاهی «توجیه» را غیر از این دانسته و «توریه» را «مغلطه» خوانده‌اند و برخی «مغلطه» را نامی دیگر برای «اسلوب الحکیم» دانسته‌اند. به همین ترتیب صورت‌های دیگر از این پراکندگی‌ها و تفاوت‌های گیج‌کننده در نام‌گذاری فنون بلاغت که ما سعی کرده‌ایم در این کتاب به بررسی و بازشناسی آن‌ها پردازیم و جهت‌یابی آن‌ها را مشخص کنیم.

البته در این راه به سبب فراوانی صنایع بدیعی که پاره‌ای از آن‌ها، چندان جنبه‌های هنری قابل توجهی ندارند همچون «ذکر العنوان»، «ذکر البسط»، «ذکر التعدید»، «ذکر الجمع»، «ذکر التقسیم» و «ذکر الاکتفاء» را وانهادیم و پاره‌ای را هم در خلال عناوین دیگر مورد بحث قرار داده‌ایم.

نکته قابل ذکر درباره این کتاب آن است که به منظور دستیابی آسان‌تر به مطالب، تدوین آن براساس حروف الفبایی صورت گرفته، در عین حالی که مباحث معانی، بیان و بدیع به تفکیک مطرح شده است. زیر هر عنوان، علاوه بر تعریف و بیان تقسیمات، به نقد و تحلیل و نکته‌یابی آن نیز پرداخته‌ایم و با مطابقت در دو زبان عربی و فارسی، نظریات اهل بلاغت با لحاظ کردن سیر تاریخی آن، بیان شده است.

با وجود این که کتاب حاضر، محصول صرف وقت بسیار، دقت و تأمل فراوان و مراجعه به منابع و کتاب‌های متعدد عربی و فارسی و مقایسه و تطبیق آن‌ها با یکدیگر است، باید قبول کنم که آنچه به دست آمده، بی‌نقص و اشکال نیست و قطعاً اهل نظر و استادان گرامی و دانشجویان عزیز و علاقه‌مندان به بلاغت اسلامی، لغزش‌های خرد و کلان آن را درخواهند یافت، خصوصاً این که در عین بسط مباحث، سعی بر اختصار هم بوده و این امر چه بسا به کاستی یا لغزشی هم انجامیده است. به هر روی، آنچه هست، بضاعت ناچیزی است در پیشگاه شما فرهیختگان. امید دارم لغزش‌ها و کاستی‌های این کار به غمض عین بخشیده و از روی تفضل یادآوری شود که موجب سپاس بسیار است.

غلامرضا کریمی فرد

مردادماه ۱۳۹۷